در مرز جبران و تنظیم‌گری:
کارکرد رقابتی غرامت در حقوق فراملی فوتبال و مقایسهٔ آن با حقوق سوئیس

At the Boundary of Compensation and Regulation: The Competitive Function of Compensation in Transnational Football Law, with a Comparison to Swiss Law

چکیده

قرارداد بازیکن و باشگاه، هرچند از حیث منشأ، رابطهٔ حقوقیِ میان دو شخص است، در مقام اجرا، در تاروپود یک نظام رقابتیِ سازمان‌یافته تنیده می‌شود؛ از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا کارکرد تنظیم‌گرایانهٔ غرامت قراردادی، به‌سان دیگر نظام‌های حقوقی، صرفاً «اثر تبعی» جنبهٔ جبرانی آن است یا آن که به سبب ماهیت خاص ورزش، در نظام حقوقی فراملی فوتبال، واجد مبنایی مستقل نیز است؟ پژوهش با تحلیل مقررات وضعیت و نقل‌وانتقال بازیکنان فیفا و رویهٔ قضائی مرتبط و سنجش نهادهای قابل‌مقایسه در نظام حقوقی سوئیس، پنج مفهوم «ماهیت خاص ورزش»، «دورهٔ حفاظت‌شده»، «غرامت افزوده»، «کمینهٔ غرامت» و «پرداخت تنبیهی» را از این منظر بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقرره‌گذار فیفا، از آغاز بازسازی نظام نقل‌وانتقالات، غرامت را صرفاً ابزاری برای ترمیم زیان نمی‌دانسته و از آن برای حمایت از ثبات قراردادی و نظم رقابتی نیز بهره گرفته است؛ بااین‌حال، صورت حقوقی این کارکرد در طول زمان دگرگون شده است. ماهیت خاص ورزش و دورهٔ حفاظت‌شده، صورت‌های نخستین و کم‌ضابطه‌تر این جهت‌گیری بودند؛ غرامت افزوده، آن را در قالبی معین‌تر سامان داد و نسخهٔ ۲۰۲۷ م.، با تفکیک اصل جبران کامل خسارت، کمینهٔ غرامت و پرداخت تنبیهی، کارکرد تنظیمی مستقل را صریح‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر ساخته است.

واژگان کلیدی: غرامت قراردادی، ماهیت خاص ورزش، دورهٔ حفاظت‌شده، خسارت تنبیهی، حقوق فراملی فوتبال.

Abstract

A contract between a player and a club is a legal relationship between two parties, but its performance takes place within an organised system of sporting competition. Its breach may therefore affect both the interests of the contracting parties and the stability of that system. This article asks whether the regulatory function of contractual compensation in transnational football law is merely an incidental consequence of compensating loss, as in other legal systems, or whether the specificity of sport also provides an independent basis for that function. The distinction matters because a payment may influence behaviour without being imposed for that purpose. Where regulation is the direct purpose of a payment, its imposition requires a legal basis independent of the obligation to compensate individual loss. The study analyses FIFA's Regulations on the Status and Transfer of Players and the relevant case law, drawing comparisons with corresponding legal mechanisms in Swiss law. It examines five concepts: the specificity of sport, the protected period, additional compensation, minimum compensation, and penalty payment. The findings show that, from the outset of the restructuring of the transfer system, FIFA has treated compensation as a means of protecting contractual stability and competitive order as well as repairing individual loss. What has changed over time is the legal form through which these objectives are pursued. The specificity of sport and the protected period represented early approaches whose scope and operation were less clearly defined. Additional compensation gave this regulatory purpose a more definite legal form. The 2027 Regulations develop the distinction further by separately addressing full compensation for loss, minimum compensation, and penalty payment. The article concludes that these changes make the independent regulatory function of financial payments more explicit and predictable, while clarifying the boundary between repairing the consequences of breach and regulating contractual behaviour within football.

Keywords: Contractual compensation; specificity of sport; protected period; penaltydamages; transnational football law.

مقدمه

غرامت قراردادی در نخستین کارکرد خویش، نهادی جبرانی است و بر مدار زیانی می‌گردد که نقض قرارداد بر طرف متضرر تحمیل کرده است. بااین‌حال، الزام ناقض قرارداد به تحمل پیامد مالی، هم‌زمان بر محاسبهٔ طرفین دربارهٔ اجرای تعهد اثر می‌گذارد. غرامت از این منظر، افزون‌بر ترمیم آثار نقضِ واقع‌شده، رفتار آیندهٔ اشخاص را نیز جهت می‌بخشد.

این جلوهٔ دوگانهٔ غرامت در نظام حقوقی فوتبال برجستگی بیش‌تری می‌یابد. قرارداد بازیکن و باشگاه، هرچند از حیث منشأ، رابطهٔ حقوقیِ میان دو شخص است، در مقام اجرا، در تاروپود یک نظام رقابتیِ سازمان‌یافته تنیده می‌شود. اصول «عدم قطعیت نتایج»[1] و «توازن رقابتی»[2]، حراست از اصل «شایستگی ورزشی»[3] که بنیان ساختار هرمی مسابقات است، بقا و ثبات ترکیب تیم‌ها، نظم زمانی مسابقات و حفظ حقوق هواداران، همگی به میزانی از ثبات روابط قراردادی وابسته‌اند. ازاین‌رو، نقض چنین قراردادی ممکن است افزون‌بر سلب منفعت خصوصیِ یکی از طرفین، انتظام رقابت را نیز متأثر سازد. در این بستر، الزام ناقض به پرداخت غرامت، در عین ترمیم زیان فردی، می‌تواند به اعتماد عمومیِ کنشگران فوتبال به دوام قراردادها یاری رساند و مانع شود که منافع خصوصیِ حاصل از نقض، با برون‌فکنی هزینه‌های آن بر باشگاه، بازیکن یا ساختار مسابقات تحصیل گردد. بااین‌حال، این پرسش مطرح می‌شود که آیا کارکرد تنظیم‌گرایانهٔ غرامت صرفاً «اثر تبعی» جنبهٔ جبرانی آن است یا آن که به سبب ماهیت خاص ورزش، در نظام حقوقی فوتبال، مبنایی مستقل نیز دارد. جهت پاسخ به این پرسش باید «اثر تنظیمی» و «مبنای تنظیمی» را از یک‌دیگر تفکیک کرد. ممکن است غرامتی که دقیقاً به میزان زیان وارده تعیین شده است، به‌طور طبیعی ناقض قرارداد و دیگر کنشگران را از رفتار مشابه بازدارد؛ در این فرض، تنظیم رفتار، «اثرِ» حاصل از جبران است، نه منشأ یا مبنای افزایش آن. ممکن است مقرره‌گذار، به سبب اهمیت رفتاری خاص یا ضرورت حمایت از نظام رقابتی فوتبال، پرداختی را مستقل از زیان یا افزون‌بر آن مقرر کند؛ در این فرض، تنظیم رفتار نه پیامد فرعی، بلکه «مبنا» و غایت مستقیم پرداخت است و مشروعیت آن به مبنایی مستقل از جبران خسارت وابسته خواهد بود.

بر این پایه، کارکرد رقابتیِ غرامت باید در دو سطح بازشناخته شود. در سطح نخست، این کارکرد صورتی تبعی دارد: غرامت برای جبران زیان تعیین می‌شود، اما از رهگذر بی‌هزینه‌نساختن نقض، رفتار کنشگران را نیز تنظیم و از قابلیت اتکای قراردادها حمایت می‌کند. در سطح دوم، کارکرد رقابتی، صورتی اصلی و مستقل می‌یابد: خودِ تنظیم رفتار یا صیانت از نظام رقابتی فوتبال، علت مستقیم وضع یک پرداخت افزوده، تعیین حداقل هنجاری یا ضمانت‌اجرای مالی قرار می‌گیرد. بر این پایه، بحث را در دو سطح مذکور پی می‌گیریم و از آن‌جا که حقوق سوئیس، به‌عنوان یکی از منابع نظام حقوق فراملی فوتبال، هم در بسیاری موارد ازجمله در وضع برخی نهادهای موردبحث، الهام‌بخش مقرره‌گذار فیفا بوده و هم به‌عنوان یک منبع تکمیلی توسط دیوان فوتبال

1. .Uncertainty of Outcome
2. .Competitive Balance
3. .Sporting Merit

و دیوان داوری ورزش، در فرض بروز اختلافات به‌کار می‌رود، هر جا مقرره یا نهاد حقوقی قابل‌مقایسه‌ای در نظام حقوقی مذکور باشد، با مفاهیم متناظر در حقوق فراملی فوتبال، سنجیده می‌شود.

۱. اثر تنظیمیِ تبعیِ غرامت جبرانی

در سطح نخست، یعنی کارکرد تبعی، غرامت هم‌چنان نهادی جبرانی است. مبلغ پرداختی بر مبنای زیان وارده تعیین می‌شود و هدف مستقیم آن، بازسازی وضعیت فرضیِ اجرای صحیح قرارداد (منفعت مثبت) یا جبران زیان‌های ناشی از اعتماد به آن است (منفعت منفی). (میرشکاری و عبدی، ۱٤۰٤: ۳۸۳) بااین‌حال، الزام ناقض به تحمل پیامد مالیِ تصمیم خود، به‌ناگزیر بر رفتار او و دیگران نیز اثر می‌گذارد. متعهد هنگام تصمیم‌گیری دربارهٔ اجرا یا نقض قرارداد، مسئولیت مالیِ محتمل را در محاسبهٔ خود وارد می‌کند و از این رهگذر، قواعد غرامت پیش از آن که در مقام حل اختلاف به اجرا درآیند، بر رفتار اشخاص سایه می‌افکنند و تصمیم‌های آنان در مرحلهٔ اجرا را به الگوی رفتاری‌ای نزدیک می‌سازند که در فرض امکان پیش‌بینی کامل اوضاع‌واحوال و تنظیم قراردادی جامع، مورد توافق قرار می‌گرفت. (Shavell, 1981: 2) اثر تنظیمی در این سطح، نتیجهٔ تبعیِ جبران است و نه مبنایی مستقل برای افزایش مبلغ. غرامت با درونی‌کردن هزینه‌هایی که نقض بر طرف مقابل تحمیل کرده، مانع از آن می‌شود که ناقض قرارداد، منفعت تصمیم خود را حفظ و زیان آن را بر دیگری برون‌فکنی کند. این امر ممکن است متعهد را به اجرای به‌موقع، احتیاط بیش‌تر، اطلاع‌رسانی، مذاکرهٔ مجدد یا خودداری از نقض ترغیب کند.

در نظام حقوقی فوتبال، فیفا از زمان بازسازی نظام نقل‌وانتقالات در سال ۲۰۰۱ م.، ثبات قراردادی را مسئله‌ای حائز اهمیت از منظر باشگاه‌ها، بازیکنان و حتی عموم مردم اعلام کرد که باید ضمن برقراری موازنه میان منافع بازیکنان و باشگاه‌ها، «انتظام و حسن کارکرد رقابت ورزشی» را حفظ کند. (FIFA, 2001: 10) غرامت متناسب، بی‌آن‌که ماهیت جبرانی خود را از دست دهد، یکی از وسایل تحقق این هدف است. برای مثال، اگر خروج ناموجه بازیکن، باشگاه را ناگزیر سازد در پنجرهٔ محدود ثبت بازیکنان با هزینهٔ بیش‌تری، جانشینی برای او بیابد، تحمیل این هزینه بر طرف ناقض، نه‌تنها زیان باشگاه را جبران می‌کند، بلکه به‌طور تبعی این پیام را نیز منتقل می‌سازد که منافع خصوصیِ حاصل از نقض، نباید به قیمت اختلال در برنامه‌ریزی تیم و رقابت حاصل شود. همین امر دربارهٔ باشگاهی که قرارداد بازیکن را به‌طور ناموجه خاتمه می‌دهد نیز صادق است: الزام باشگاه به پرداخت ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد، هم وضعیت اقتصادی بازیکن را ترمیم می‌کند و هم باشگاه‌ها را از برخورد ابزاری و بی‌ثبات‌کننده با نیروی انسانی بازمی‌دارد. لیکن در هر دو فرض، مبلغ هم‌چنان به میزان زیان وابسته است. نظم رقابتی، اثر حاصل از جبران را توضیح می‌دهد، اما عنوان دیگری از خسارت ایجاد نمی‌کند. بدین‌ترتیب، کارکرد تبعی را باید «تنظیم رفتار از طریق جبران» نامید. در این سطح، مرجع رسیدگی ابتدا زیان قابل‌جبران را بر پایهٔ قواعد جبران زیان، تعیین می‌کند؛ سپس اجرای همین مسئولیت جبرانی، اعتماد به قراردادها و ثبات ساختار رقابتی را تقویت می‌سازد. غایت رقابتی در این‌جا، درون نتیجهٔ جبرانی مستتر است، نه آن که رقمی مستقل بر آن بیفزاید.

۲. پرداخت دارای مبنای تنظیمی مستقل

در سطح دوم، یعنی کارکرد اصلی، تنظیم رفتار، خود علت مستقیم وضع یا افزایش یک پرداخت مالی است. غرامت صرفاً در برابر زیانی هم‌میزان قرار نمی‌گیرد، بلکه مقرره‌گذار یا طرفین قرارداد می‌خواهند از منفعتی مشروع در اجرای قرارداد حمایت کنند یا احتمال تکرار رفتاری ناپسند را کاهش دهند. ازاین‌رو، چنین پرداختی به مبنایی مستقل از جبران نیاز دارد.

در سیر تحول نظام حقوقی فراملی فوتبال، پنج مفهوم را می‌توان از منظر این کارکرد اصلی بررسی کرد: «ماهیت خاص ورزش»، «دورهٔ حفاظت‌شده»، «غرامت افزوده»، «کمینهٔ غرامت» و «پرداخت تنبیهی». این پنج مفهوم، با وجود پیوندشان با ثبات قراردادی، از حیث مبنا و اثر یکسان نیستند: ماهیت خاص ورزش، در نظام پیشین معیاری کلی و انعطاف‌پذیر بود؛ دورهٔ حفاظت‌شده، مقطعی زمانی برای تشدید حمایت از قرارداد محسوب می‌شد؛ غرامت افزوده، پرداختی خاص در حمایت از بازیکن بود؛ کمینهٔ غرامت، حداقل مسئولیت را مقرر می‌دارد و پرداخت تنبیهی، مبلغی است که آشکارا برای واکنش به رفتار سوءاستفاده‌آمیز وضع می‌شود.

۱،۲. ماهیت خاص ورزش

مقررات وضعیت و نقل‌وانتقال بازیکنان فیفا در سال ۲۰۰۱ م. مقرر می‌کرد که غرامت باید با توجه به معیارهای عینی و با لحاظ قوانین ملی و «ماهیت خاص ورزش»[4] تعیین شود. این مقرره از سال ۲۰۰۵ م. در بند نخست مادهٔ ۱۷ قرار گرفت؛ اما مقررات نه مفهوم اخیر را تعریف کردند و نه چگونگی دخالت آن را در تقویم غرامت روشن ساختند. برای فهم کارکرد آن باید دو ساحت را بازشناخت: ساحت افقی، ناظر به زیان ورزشیِ خاصِ طرفین قرارداد و ساحت عمودی، ناظر به آسیب وارد بر منافع سازمانی و رقابتی فوتبال.

در ساحت افقی، ماهیت خاص ورزش ناظر به «خاص‌بودن رابطهٔ قراردادی» بازیکن و باشگاه است. این قرارداد صرفاً تعهد به انجام کار در معنای متعارف نیست؛ موضوع آن، ارائهٔ خدمات «ورزشی» با ماهیتی شخصی، غیرهمگن و زمان‌مند در ساختار مسابقات است. ازاین‌رو، نقض قرارداد ممکن است زیان‌هایی پدید آورد که در روابط قراردادی عادی یا اساساً وجود ندارند یا با همان کمیت و کیفیت ظاهر نمی‌شوند: محروم‌شدن باشگاه از خدمات بازیکن در اوج مسابقات، اختلال در برنامهٔ فنی تیم، دشواری جذب جانشین در خارج از پنجرهٔ ثبت، ازبین‌رفتن هزینهٔ مستهلک‌نشدهٔ جذب بازیکن، تفویت فرصت انتقال بازیکن، کاهش ارزش بازیکن و در سوی مقابل، محروم‌شدن بازیکن از امکان حضور در مسابقات. در این معنا، تأکید بر توجه به ماهیت خاص ورزش به معنای ایجاد عنوانی مستقل و افزون‌بر زیان وارده نیست؛ بلکه ناظر بر ضرورت شناسایی و لحاظ‌کردن زیان‌های ویژهٔ ناشی از ماهیت خاص رابطهٔ قراردادی بازیکن و باشگاه در فرایند تقویم غرامت است، تا اصل جبران کامل خسارت به‌نحو واقعی تأمین شود.

در ساحت عمودی، ماهیت خاص ورزش ناظر به «خاص‌بودن نظام رقابتی فوتبال» است. قرارداد بازیکنان و باشگاه‌ها رابطهٔ حقوقیِ منفرد و محصور میان دو شخص نیست، بلکه در درون ساختاری سلسله‌مراتبی و زمان‌مند و مبتنی بر اصولی هم‌چون

4. S pecificity ofSport.

عدم قطعیت نتایج، توازن رقابتی و شایستگی ورزشی، منعقد و اجرا می‌شود؛ ازاین‌رو، نقض آن ممکن است، افزون‌بر زیان خصوصی طرف مقابل، با آسیب‌زدن به ثبات ترکیب تیم‌ها، انتظام رقابت‌ها را مخدوش و توازن رقابتی میان تیم‌ها را مختل کند، اصل شایستگی ورزشی را زیرسؤال برد و با لطمه بر اصل بنیادین عدم قطعیت نتایج، از جذابیت رقابت‌های ورزشی – که شرط اصلی بقا و تداوم ورزش حرفه‌ای است – بکاهد. در این معنا، منفعت مورد حمایت، دیگر منحصراً به بازیکن یا باشگاه زیان‌دیده تعلق ندارد، بلکه منفعتی رقابتی است که مجموع باشگاه‌ها، بازیکنان، فدراسیون‌ها، هواداران و به‌طور کلی ذی‌نفعان ورزش را دربرمی‌گیرد. اگر پرداخت مالی، مستقیماً برای حمایت از چنین اصول و منافعی وضع شود، با کارکرد رقابتی اصلی غرامت مواجهیم.

آرای دیوان داوری ورزش[5] هر دو برداشت را نشان می‌دهند. در پروندهٔ «موریرا»[6]، باشگاه در دوران شیمی‌درمانی بازیکن، دستمزد او را مکرراً نپرداخت و قرارداد را یک‌جانبه تعلیق کرد. دیوان بر همین مبنا، ۹۱۱۵۰ دلار را مستقلاً تحت عنوان «ماهیت خاص ورزش» به بازیکن اختصاص داد (CAS, 2015, 2015/A/3871–3882: paras. 54–80, 140–141) و بدون احراز زیان حرفه‌ایِ خاصی، این مفهوم را ناظر به رفتار مغایر با ارزش‌ها و «اخلاق ورزشی» و در خدمت منافع «تمام جامعهٔ فوتبال» دانست؛ سپس با توجه به نقض مکرر تعهدات و بدرفتاری با بازیکن آسیب‌پذیر، ده درصد ارزش قرارداد را برگزید. (CAS, 2015, 2015/A/3871–3882: paras. 143–154) از آن‌جا که زیان‌های مالی و معنوی جداگانه جبران شده بودند، علت مستقیم این مبلغِ مستقل، واکنش به رفتار باشگاه و حمایت از ارزش‌های فوتبال بود؛ نه تقویم زیانی مشخص.

اتاق حل اختلاف فیفا[7] در پروندهٔ «ماتوزالم»[8]، ۱/۲ میلیون یورو را با استناد به ماهیت خاص ورزش بر غرامت پایه افزود. مبنای افزایش، نقض عامدانهٔ قرارداد برخلاف اصل حسن‌نیت از سوی بازیکن پس از پذیرش افزایش دستمزد بود؛ دیوان بعداً این بخش از رأی را عنصری «تنبیهی» خواند. (CAS, 2009, 2008/A/1519–1520: para. 123) بنابراین در رأی اتاق، حمایت از وفای‌به‌عهد و ثبات قراردادی علت مستقیم افزایش غرامت بود. اما دیوان در تجدیدنظر، ماهیت خاص ورزش را تنها معیار فرعیِ سنجش عادلانه‌بودن غرامت دانست و جبران دوبارهٔ زیان یا خسارت تنبیهی را نپذیرفت. (CAS, 2009, 2008/A/1519–1520: paras. 107–110) دیوان برای ازدست‌رفتن خدمات کاپیتان شاختار پیش از مسابقات مقدماتی لیگ قهرمانان، ۶۰۰ هزار یورو به‌عنوان زیان ورزشی مقرر کرد. (CAS, 2009, 2008/A/1519–1520: paras. 127–133) بنابراین، کارکرد تنظیمیِ مستقل به رأی اتاق تعلق دارد؛ مبلغِ رأی نهایی عمدتاً در ساحت افقی و جبرانی قرار می‌گیرد.

در رأی «سوارز»[9]، دیوان پس از تعیین غرامت پایه، ۲۵ درصد از آن را معادل ۲۴۲۴۴۵/۰۴ یورو، به استناد ماهیت خاص ورزش بر مبلغ غرامت افزود. (CAS, 2019, 2018/A/5607–5608: paras. 123–158) افزایش اخیر به زیانی مشخص مستند نبود. دیوان به فسخ بلافاصلهٔ پس از دورهٔ حفاظت‌شده، دلایل متعارض بازیکن برای خروج و جذب او توسط باشگاه جدید با آگاهی از قرارداد موجود استناد کرد. (CAS, 2019, 2018/A/5607–5608: paras. 146–156) ازاین‌رو، نکوهش نحوهٔ نقض و حمایت از انتظام نقل‌وانتقالات، علت مستقیم مبلغ افزوده بود.

---

5. .Court of Arbitration for Sport (CAS)
6. Sergio Sebastián Ariosa Moreira.
7. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC).
8. .Matuzalem Francelino da Silva
9. .Matías Ezequiel Suárez

در رأی «مکسس»[10] نیز دیوان دو قلم زیان خصوصیِ باشگاه اوسر، یعنی هزینهٔ تمدید قرارداد و فرصت انتقال ازدست‌رفته، را جمعاً ٦٧٨٩٦٤٤ یورو برآورد کرد، اما غرامت را هفت میلیون یورو تعیین نمود. (CAS, 2005, 2005/A/902–903: paras. 45–77) هیئت به رفتار باشگاه رم استناد کرد که به‌جای ادامهٔ مذاکرات انتقال با اوسر، وضعیتی منتهی به فسخ ایجاد کرد و بلافاصله بازیکن را جذب نمود؛ رفتاری که به نظر دیوان با ثبات قراردادها و مناسبات باشگاه‌ها در بازار نقل‌وانتقالات ناسازگار بود. (CAS, 2005, 2005/A/902–903: paras. 79–81) فاصلهٔ ٢١٠٣٥٦ یورویِ مبلغ نهایی با زیان خصوصیِ برآوردشده، واکنشی به همین نحوهٔ جذب بازیکن و حمایت از انتظام روابط میان باشگاه‌ها در بازار نقل‌وانتقالات بود.

رأی «دیارا»[11] امکان ادامهٔ این رویه را دگرگون کرد. دیوان دادگستری اتحادیهٔ اروپا، ضمن پذیرش مشروعیتِ اهداف ثبات نسبی ترکیب تیم‌ها و حسن جریان رقابت‌ها، «ماهیت خاص ورزش» را معیاری کلی و تعریف‌نشده دانست که نحوهٔ اثرگذاری آن بر غرامت روشن نیست و مجال تصمیمی دل‌بخواهی و پیش‌بینی‌ناپذیر را می‌گشاید. (CJEU, 2024: paras. 84–114) فیفا در چارچوب موقت ژانویهٔ ۲۰۲۵ این معیار را از مادهٔ ۱۷ حذف کرد و حذف آن در نسخهٔ ژوئیهٔ ۲۰۲۵ و ژانویهٔ ۲۰۲۷ نیز استمرار یافت (FIFA, 2025a: art. 17(1); FIFA, 2025b: art. 17(1); FIFA, 2027: art. 17(1)–(6))؛ لذا در نظام حقوقی کنونی، زیان‌های خاص ورزشی هم‌چنان در پرتو اصل جبران کامل خسارت، قابل‌مطالبه‌اند؛ اما افزودن مبلغی مستقل، صرفاً به استناد لزوم ثبات قراردادها یا نکوهش رفتار، دیگر از مجرای این معیار ممکن نیست. (Flores Chemor & Larabi, 2026: 18; FIFA DRC, 2025a: FPSD-16957, para. 107; FIFA DRC, 2025b: FPSD-13969, para. 103; FIFA DRC, 2025c: FPSD-16859, para. 129; FIFA PSC, 2025: FPSD-17867, paras. 169–171) پرداخت دارای علت تنظیمی به مبنای صریح نیاز دارد؛ نسخهٔ ۲۰۲۷ چنین مبنایی را در سازوکارهای معین‌تری پیش‌بینی کرده است.

۲,۲. دورهٔ حفاظت‌شده (حمایت‌شده)

«دورهٔ حفاظت‌شده»[12]، از دیگر معیارهای صرفاًورزشی است که می‌توان گفت مستقیماً با هدف تضمین کارکرد رقابتی پرداخت غرامت و حفظ انتظام رقابت‌ها در مادهٔ ۱۷ پیش‌بینی شده بود. دورهٔ حفاظت‌شده، برخلاف ماهیت خاص ورزش، مفهومی زمانی و نسبتاً معین است. این نهاد با اصلاحات سال ۲۰۰۱ م. وارد نظام نقل‌وانتقالات شد تا بخش آغازین دورهٔ رابطهٔ قراردادی را از حمایت بیش‌تری برخوردار سازد. در نسخهٔ جاری و تا پیش از نسخهٔ ۲۰۲۷ م.، اگر قرارداد پیش از بیست‌وهشت‌سالگی بازیکن منعقد می‌شد، سه فصل کامل یا سه سال نخست – هرکدام زودتر پایان می‌یافت – و اگر قرارداد در بیست‌وهشت‌سالگی یا پس از آن منعقد می‌گردید، دو فصل کامل یا دو سال نخست – هرکدام زودتر پایان می‌یافت – دورهٔ حفاظت‌شده محسوب می‌شد (FIFA, 2025b: definitions, no. 7; FIFA, 2001: 11–12).

منطق این نهاد آن است که قرارداد در سال‌های آغازین خود، بیش‌ترین نقش را در برنامه‌ریزی فنی و اقتصادی طرفین به‌خصوص باشگاه‌ها ایفا می‌کند. باشگاه معمولاً پرداخت هزینه‌های جذب بازیکن و دستمزد وی و طراحی برنامهٔ فنی خود را بر فرض استمرار رابطه در همین دوره متحمل می‌شود و بازیکن نیز آیندهٔ حرفه‌ای و درآمد خود را بر پایهٔ تعهدات باشگاه سامان

10. .Philippe Mexès
11. Lassana Diarra.
12. .Protected Period

می‌دهد. جابه‌جایی‌های ناموجه و مکرر در آغاز قرارداد، می‌تواند ثبات فهرست تیم‌ها و انتظام مسابقات را مختل سازد. بنابراین، دورهٔ حفاظت‌شده از آغاز، دارای کارکردی تنظیمی و رقابتی بود. مقررات درصدد بود نقض در این مقطع را شدیدتر از نقض در سال‌های پایانی قرارداد القا کند. تفسیر فیفا در این‌باره تصریح می‌کرد: «گنجاندن رعایت دورهٔ حمایت‌شده در فهرست معیارها، بازتابی از هدف ثبات قراردادی است. با توجه به این هدف، مقررات درصدد آن‌اند که ضمانت‌اجراهایی به اندازهٔ کافی شدید پیش‌بینی کنند تا به‌عنوان عاملی بازدارنده و مؤثر در برابر هر طرفی عمل کنند که ممکن است وسوسه شود قرارداد را در بخش نخست مدت آن، موسوم به دورهٔ حمایت‌شده، نقض کند.» (FIFA, 2023: 188)

بااین‌وجود، باید دو اثر مالی این دوره را تفکیک کرد. اثر نخست، اثر طبیعی وقوع نقض در دورهٔ حفاظت‌شده است. نقض در آغاز قرارداد بدین معناست که مدت بیش‌تری از قرارداد باقی مانده و در نتیجه، ارزش خدمات ازدست‌رفته، درآمد فوت‌شده یا هزینه‌های مستهلک‌نشده، بیش‌تر است. افزایش غرامت در این فرض از خودِ طول دورهٔ باقی‌مانده ناشی می‌شود، نه از وصف وقوع آن در دورهٔ حمایت‌شده. اثر دوم، افزایش مستقل مبلغ، صرفاً به سبب ارتکاب نقض در این دوره است. (FIFA, 2023: 188–189) تنها اثر دوم واجد کارکرد رقابتی اصلی است و مشروعیت آن نیازمند مبنایی فراتر از رابطهٔ طبیعی میان زمان نقض و میزان زیان است. بند نخست مادهٔ ۱۷ در نسخ قبل از رأی دیارا، وقوع نقض در دورهٔ حفاظت‌شده را در شمار معیارهای تعیین غرامت آورده بود، اما برای اِعمال آن ضابطه‌ای مقرر نمی‌کرد. تفسیر فیفا بیان می‌کند که وقوع نقض در این دوره ممکن است به غرامت بیش‌تر بینجامد و حتی، برمبنای ماهیت خاص ورزش، پرداختی افزوده را توجیه کند. بررسی رویه، نشان‌گر آن است که در اکثر پرونده‌ها صِرف وقوع نقض در دورهٔ حفاظت‌شده، سبب آن نگردیده است، میزان غرامت بدین جهت افزایش یابد. بااین‌وجود در برخی آرا، معیار دورهٔ حفاظت‌شده مستقیماً مبنای افزایش رقم غرامت قرار گرفته است. در پروندهٔ «پوتوچنیک»[۱۳]، دیوان، با توجه به نقض قرارداد در دورهٔ حفاظت‌شده، ۱۵ درصد بر میزان غرامت تعیین‌شده توسط اتاق حل اختلاف افزود. (FIFA, 2024: 48) تفسیر فیفا نیز به رأیی اشاره می‌کند که در آن دیوان از وقوع فسخ در دورهٔ حفاظت‌شده، برای ارزیابی شدت تقصیر باشگاه و افزایش غرامت استفاده کرده است، (FIFA, 2023: 189) این نمونه‌ها استثنایی‌اند و در رویهٔ عمومی، صِرف نقض در دورهٔ حفاظت‌شده سبب افزایش مستقلی نشده است.

تا پیش از بازنگریِ پس از رأی دیارا، دورهٔ حفاظت‌شده در مادهٔ ۱۷، دو کارکرد داشت: هم به‌عنوان یکی از معیارهایی ذکر شده بود که باید در تقویم غرامت موردتوجه قرار می‌گرفت و هم مقرره‌گذار فیفا برای بازیکنی که در این دوره، قرارداد را نقض می‌کرد، چهار ماه محرومیت از شرکت در مسابقات رسمی و در اوضاع مشدد، شش ماه محرومیت پیش‌بینی می‌کرد؛ باشگاهِ ناقض یا باشگاهی که بازیکن را به نقض قرارداد واداشته بود نیز با ممنوعیت ثبت بازیکن روبه‌رو می‌شد. هر چند انتقادات دیوان دادگستری اتحادیهٔ اروپا در رأی دیارا، مستقیماً متوجه کارکرد معیار مذکور در فرایند تقویم غرامت نبود، اما فیفا در چارچوب موقت ۲۰۲۵ م.، ((3)–(1)17 .art :FIFA, 2025a) و نیز نسخهٔ ۲۰۲۷ م.، ((12)–(10)17 .art :FIFA, 2027) دورهٔ حفاظت‌شده را از شمار معیارهای تقویم غرامت کنار نهاد و اثر مستقیمش را صرفاً در بندهای مربوط به ضمانت‌اجراهای ورزشی باقی گذاشت. بنابراین، در مقررات جاری، صِرف نقض در دورهٔ حفاظت‌شده، مجوزی برای افزودن مبلغی به غرامت نیست و از این نهاد دیگر نمی‌توان، کارکرد رقابتی غرامت را در معنای اصلی آن ثابت کرد.

13. Potočnik.

۳٫۲. غرامت افزوده

«غرامت افزوده»[14] به‌عنوان سازوکاری مشخص، از ژوئن ۲۰۱۸ م. وارد بند نخست مادهٔ ۱۷ شد؛ این عنوان را نباید با کاربرد عام «غرامت اضافی» در آرای پیشین یکی دانست. (FIFA, 2018: 1, 4; Ongaro, 2020: 28, 36–38; FIFA, 2023: 199–200) در فرضی که بازیکن به سبب مطالبات معوق، قرارداد را با دلیل موجه خاتمه می‌داد و قرارداد جدیدی می‌بست، درآمد جدید از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد پیشین کسر و سه ماه دستمزد و در اوضاع مشدد تا شش ماه، به‌عنوان غرامت افزوده منظور می‌شد. مجموع غرامت نیز نمی‌توانست از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد پیشین فراتر رود.

پیدایش این سازوکار را باید در زمینهٔ سیاست تقنینی اصلاحات سال ۲۰۱۸ م. فهم کرد. اصلاحات مذکور، حاصل توافق نمایندگان باشگاه‌ها، بازیکنان و لیگ‌ها و معطوف به مطالبات معوق و سوءرفتار با بازیکنان بود. (Ongaro, 2020: 27–28, 37) مسئله آن بود که عدم پرداخت مستمر دستمزد بازیکنان می‌توانست به باشگاهِ فاقد توان مالی امکان دهد با وعدهٔ دستمزد، قدرت ورزشی و مزیتی ناروا در برابر باشگاه‌های منضبط تحصیل کند. (Ongaro, 2020: 18–21, 28) غرامت افزوده با این‌که به بازیکن پرداخت می‌شد، در پی انضباط مالی و صیانت از توازن رقابتی بود. استحقاق سه ماه دستمزد به اثبات زیان جداگانه وابسته نبود و نمی‌گذاشت درآمد جایگزین بازیکن، نقض قرارداد توسط باشگاه را بی‌پیامد کند. «اوضاع مشدد» نیز به سوءرفتاری افزون‌بر عدم پرداخت مربوط می‌شد؛ مانند نگهداری گذرنامه، جلوگیری از خروج، عدم ثبت بازیکن یا واداشتن وی به تمرین انفرادی. (FIFA DRC, ۲۰۱۸: Player A v. Club C, paras. ۲۵–۲۸; FIFA DRC, ۲۰۱۹: Player A v. Club C, paras. ۱۴–۱۶’ ۳۱–۳۲; FIFA DRC, ۲۰۲۰: Mourad Batna v. Al Wahda Club & Al Jazira SC, paras. ۶–۷’ ۱۴’ ۳۰–۳۳; FIFA DRC, ۲۰۲۲a: FPSD-۶۹۳۱’ paras. ۱۰۳–۱۰۵; FIFA DRC, ۲۰۲۲b: FPSD-۷۰۰۵’ paras. ۳۱’ ۴۶–۴۷; FIFA DRC, ۲۰۲۲c: FPSD-۶۵۳۲’ paras. ۲۲–۲۴) معیار تشدید، نکوهیدگی رفتار و لطمه به آزادی و موقعیت حرفه‌ای بازیکن بود، نه اثبات زیانی هم‌اندازهٔ افزایش مبلغ.

سقف ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد نیز ماهیت صرفاً‌جبرانی این سازوکار را ثابت نمی‌کرد؛ زیرا بر «مبلغ محکومٌ‌به» اعمال می‌شد، نه بر مجموع درآمد بازیکن پس از نقض. فرض کنید ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد ۶۰ هزار یورو و درآمد قرارداد جدید ۲۵ هزار یورو باشد. در این فرض زیان خالص ۳۵ هزار یورو است؛ با افزودن ۳۰ هزار یورو غرامت افزوده و اِعمال سقف، محکومٌ‌به ۶۰ هزار یورو می‌شود. بازیکن همراه با درآمد جدید، در مجموع ۸۵ هزار یورو دریافت می‌کند، در حالی که اجرای قرارداد پیشین ۶۰ هزار یورو برای او فراهم می‌ساخت. پس سقف فقط مبلغ افزوده را به ۲۵ هزار یورو کاهش می‌دهد و آن را به زیانی اثبات‌شده بدل نمی‌کند.

غرامت افزوده با مادهٔ ۳۳۷c قانون تعهدات سوئیس قابل‌مقایسه است. بند الف مادهٔ مذکور، در فرض اخراج فوری و ناموجه کارگر، درآمدی را که وی تا پایان قرارداد به‌دست می‌آورد، مبنای جبران قرار می‌دهد و بند ب، درآمد حاصل از کار جایگزین و هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده را از آن کسر می‌کند. بند پ، افزون‌بر این مبلغ، به دادگاه اجازه می‌دهد با توجه به اوضاع‌واحوال، پرداختی تا سقف شش ماه دستمزد تعیین کند. در حقوق سوئیس، این پرداخت ماهیتی دوگانه دارد: هم واکنشی به رفتار ناموجه کارفرماست و هم لطمه‌ای را که اخراج به شخصیت کارگر وارد کرده است جبران می‌کند؛ استحقاق آن نیز به اثبات زیان مالیِ جداگانه وابسته نیست و ازاین‌رو، به باور برخی در معنای کلاسیک، جبران خسارت محسوب نمی‌شود (Swiss Code of Obligations, 1911: art. 337c(1)–(3); Dunand, 2021: 64–65, 67–68; Swiss Federal Supreme Court, 2009: BGE 135 III 405,

14. .Additional Compensation

.consid. 3.1). بااین‌حال، تفاوت‌هایی میان دو سازوکار مذکور وجود دارد. بند پ مادهٔ ۳۳۷c ناظر به اخراج ناموجه توسط کارفرما است، حال آن‌که غرامت افزوده، به بازیکنی تعلق می‌گرفت که خود به سبب مطالبات معوق، قرارداد را با دلیل موجه خاتمه می‌داد. دیوان عالی فدرال سوئیس نیز تعمیم مبتنی بر قیاس بند سوم مادهٔ ۳۳۷c را در فرض خاتمهٔ موجه قرارداد به دست کارگر، نپذیرفته است. (Swiss Federal Supreme Court, 2007: BGE 133 III 657, consid. 3.3.3) تفاوت دیگر در تعیین مبلغ است. در حقوق سوئیس، دادگاه مبلغ افزوده را در حدود شش ماه دستمزد برآورد می‌کند؛ در مقررات فیفا، مبلغ از سه ماه دستمزد آغاز می‌شد، در اوضاع مشدد تا شش ماه افزایش می‌یافت و مجموع غرامت نیز از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد فراتر نمی‌رفت. بدین‌ترتیب، مقایسه بیش از همه نشان می‌دهد که چگونه هر دو نظام، پرداختی فراتر از زیان خالص را می‌پذیرند، هرچند در حقوق فراملی فوتبال این پرداخت، افزون‌بر جبران زیان بازیکن، در خدمت مقابله با مطالبات معوق و حفظ انضباط مالی باشگاه‌ها بود.

رأی دیارا نقد مستقلی بر غرامت افزوده وارد نکرد؛ این سازوکار نیز برخلاف معیار کلی ماهیت خاص ورزش، شرایط، میزان و سقف معینی داشت و در نسخهٔ ژوئیهٔ ۲۰۲۵ حفظ شد. (FIFA, 2025b: art. 17(1)(ii)) بااین‌حال، نسخهٔ ژانویهٔ ۲۰۲۷ آن را از مادهٔ ۱۷ حذف کرد. از مقایسهٔ دو نسخه می‌توان دریافت که کارکردهای پیشین غرامت افزوده یعنی حمایت مالی از بازیکن و واکنش به سوءرفتار باشگاه، در قالب‌هایی جدید و در چارچوب مفهوم کمینهٔ غرامت و پرداخت تنبیهی، تداوم یافته‌اند. «کمینهٔ غرامت» اصولاً مانع کاهش غرامت به کم‌تر از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد می‌شود. اگر خسارت محاسبه‌شده کم‌تر از این حد باشد، مبلغ تا همان میزان افزایش می‌یابد؛ خودِ کمینه مبلغ جداگانه‌ای نیست که به خسارت اضافه شود. بنابراین، ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد در سازوکار پیشین، سقف مجموع غرامت بود، اما در قاعدهٔ جدید اصولاً کف آن است. «پرداخت تنبیهی» نیز با احراز رفتار سوءاستفاده‌آمیز، مستقل از میزان زیان، به غرامت افزوده می‌شود. (FIFA, 2027: art. 17(5)-(7)). قابل‌توجه است که این اشتراک کارکرد، به معنای قابلیت‌جمع غرامت افزوده با کمینهٔ غرامت و پرداخت تنبیهی نیست و در نظام حقوقی مقررات سال ۲۰۲۷، غرامت افزوده در خصوص بازیکنان، دیگر جایی برای اعمال ندارد.

۴،۲. کمینهٔ غرامت

«کمینهٔ غرامت»[15]، مبلغی افزوده بر غرامت جبرانی یا پرداختی تنبیهی نیست؛ حداقلی است که حاصل محاسبهٔ غرامت اصولاً نباید از آن کم‌تر شود. مرجع رسیدگی ابتدا زیان را با رعایت اصول جبران کامل و کاهش خسارت برآورد می‌کند و سپس، اگر لازم باشد، مبلغ را تا حد مقرر بالا می‌برد. برخلاف پرداخت تنبیهی، اِعمال کمینه نیز به احراز رفتار سوءاستفاده‌آمیز وابسته نیست.

کمینهٔ غرامت از نوآوری‌های مهم نسخهٔ ژانویهٔ ۲۰۲۷ م. مقررات فیفا است. مقررات حاکم تا پایان سال ۲۰۲۶ م.، حداقلی را برای غرامت قابل‌پرداخت به بازیکن و باشگاه مقرر نمی‌کرد. دربارهٔ بازیکن، چنان‌چه وی پس از خاتمهٔ ناموجه قرارداد بیکار می‌ماند، غرامت اصولاً با ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد برابر بود؛ اما اگر قرارداد جدیدی منعقد می‌کرد، درآمد جایگزین، از ارزش قرارداد سابق کسر می‌شد و در فرض خاتمه به سبب مطالبات معوق، غرامت افزودهٔ سه تا شش ماه نیز تنها تا سقف ارزش

15. .Minimum Compensation

باقی‌ماندهٔ قرارداد قابل‌پرداخت بود. دربارهٔ باشگاه نیز غرامت تابع اثبات زیان‌هایی چون ارزش خدمات ازدست‌رفته، هزینه‌های مستهلک‌نشده، فرصت انتقال یا هزینهٔ جانشینی بود. بنابراین، امکان داشت نقض قرارداد احراز شود، اما پس از احتساب منافع حاصل از خاتمه یا فقدان دلیل کافی بر زیان، غرامتی تعلق نگیرد؛ چنان‌که در پروندهٔ «آپیا»[16]، صرفه‌جویی باشگاه از مجموع زیان‌های اثبات‌شده، بیش‌تر بود و علی‌رغم احراز نقض، هیچ غرامتی مقرر نشد. (CAS, 2010, 2009/A/1856–1857: paras. 220–221)

نسخهٔ ژانویهٔ ۲۰۲۷ م. این ساختار را دگرگون کرده است. بند دوم مادهٔ ۱۷، در نبود شرط تعیین غرامت، طرف زیان‌دیده را مستحق جبران کامل خسارت می‌داند؛ بندهای سوم و چهارم نیز اقلام قابل‌احتساب برای بازیکن و باشگاه را برمی‌شمارند. بااین‌حال، بند پنجم مقرر می‌کند که بازیکن و باشگاه، «به‌عنوان یک اصل» و جز در اوضاع فوق‌العاده، همواره باید حداقل مبلغی معادل ارزش باقی‌ماندهٔ قراردادِ نقض‌شده، دریافت کنند. اهمیت این حکم زمانی آشکارتر می‌شود که بند هفتم، تکلیف زیان‌دیده به کاهش خسارت را نیز «با رعایت بند پنجم» می‌پذیرد. (FIFA, 2027: art. 17(2)–(5), (7)) بنابراین، ترتیب منطقی محاسبه چنین است که مرجع رسیدگی ابتدا زیان را با توجه به اوضاع‌واحوال پرونده و اقدامات انجام‌شده برای کاهش آن تعیین می‌کند؛ اگر مبلغ حاصل، بیش‌تر از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد باشد، همان زیان اثبات‌شده ملاک قرار می‌گیرد، اما اگر نتیجهٔ محاسبه کم‌تر از ارزش باقی‌مانده باشد، غرامت اصولاً تا میزان آن افزایش می‌یابد. بنابراین، درآمد جایگزین، هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده یا اقدامات زیان‌دیده برای کاهش خسارت، اصولاً نمی‌توانند مبلغ را به کم‌تر از کف مقرر برسانند.

این حکم صرفاً امارهٔ اثبات زیان نیست؛ زیرا اگر ارزش باقی‌مانده فقط اماره بود، اثبات زیان کم‌تر برای کنارزدن آن کفایت می‌کرد. تعبیر «همواره» و استثنای «اوضاع فوق‌العاده» نشان می‌دهد که بند پنجم، یک کف هنجاری برای مسئولیت برقرار می‌سازد. هرگاه این کف از زیان خالص فراتر رود، مبنای بخش مازاد را باید بیرون از جبران جست. رابطهٔ کمینه با غرامت افزوده را باید با توجه به همین تفاوت در محاسبه فهمید. غرامت افزوده مبلغی را به خسارت اضافه می‌کرد، اما کمینه حداقلِ حاصل محاسبه را تعیین می‌کند. ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد نیز در سازوکار نخست سقف مجموع غرامت بود و در سازوکار دوم اصولاً کف آن است. هم‌چنین، غرامت افزوده به بازیکن اختصاص داشت، ولی کمینه هر دو طرف را دربرمی‌گیرد.

حداقل دیگری نیز در بخش «غرامت توافق‌شده»[17] پیش‌بینی شده است. بند نخست مادهٔ ۱۷، تعیین قراردادی غرامت را می‌پذیرد؛ اما اگر دستمزد ثابت سالانهٔ بازیکن حداکثر ۱۵۰ هزار دلار باشد، شرط باید اصولاً دست‌کم ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد را برای او تضمین کند. (FIFA, 2027: definitions, no. 44, art. 17(1)(c), art. 26(1)(b)) این قاعده از بازیکنی که معمولاً قدرت چانه‌زنی کم‌تری دارد، حمایت می‌کند. (Flores Chemor & Larabi, 2026: 8–9)

کمینهٔ غرامت از روشن‌ترین جلوه‌های کارکرد اصلی تنظیمی غرامت است؛ زیرا استحقاق آن لزوماً به اثبات زیانی معادل مبلغ مقرر، وابسته نیست. ممکن است بازیکن اندکی پس از خاتمهٔ قرارداد، قراردادی با دستمزد برابر یا بیش‌تر منعقد کند و زیان قابل‌توجهی متحمل نشده باشد؛ یا باشگاه، به سبب صرفه‌جویی حاصل از عدم پرداخت دستمزد، وجود جانشین مناسب یا فقدان نقش مؤثر بازیکن، نتواند زیانی معادل ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد اثبات کند. بااین‌حال، قاعدهٔ کمینهٔ غرامت، اصولاً مبلغی برابر با ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد را تضمین می‌کند. در چنین مواردی، بخش مازاد بر زیان قابل‌اثبات نه برای ترمیم وضع اقتصادی

16. Stephen Appiah.
17. Agreed Compensation.

زیان‌دیده، بلکه برای تقویت قابلیت اتکای قرارداد و افزایش هزینهٔ خروج ناموجه وضع می‌شود. این ساختار، عدولی آگاهانه از الگوی متعارف غرامت قراردادی است. در قواعد عمومی، خواهان باید اصل و میزان ورود خسارت را اثبات کند و خساراتی که با اقدامات متعارف، قابل‌اجتناب بوده‌اند، در قلمرو مسئولیت قرار نمی‌گیرند. جبران کامل به معنای قرارگرفتن زیان‌دیده در وضعیت فرضی اجرای صحیح قرارداد است، نه قراردادن او در وضعیتی بهتر از آن. در برابر، کمینهٔ غرامت اجازه می‌دهد مبلغ محکومٌ‌به، حتی پس از اثبات پایین‌تربودن زیان خالص، اصولاً در سطح ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد حفظ شود. ازاین‌رو، رابطهٔ این مفهوم با اصل جبران کامل، رابطهٔ جزء و کل نیست؛ کمینه تا آن‌جا که با زیان واقعی منطبق است، کارکردی جبرانی دارد، اما در فاصله‌ای که میان زیان خالص و ارزش باقی‌مانده پدید می‌آید، واجد مبنایی تنظیمی و حمایتی است.

در فرضی که باشگاه، زیان‌دیده است، جنبهٔ تنظیمی کمینه، برجستگی بیش‌تری می‌یابد. مقررات، ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد را شاخصی عینی از ارزش خدمات بازیکن برای باشگاه می‌داند؛ (Flores Chemor & Larabi, 2026: 12) زیرا می‌توان فرض کرد باشگاهی که حاضر بوده است مبلغی معین را در برابر خدمات بازیکن بپردازد، برای آن خدمات دست‌کم ارزشی متناظر قائل بوده است. بااین‌حال، دستمزد باقی‌مانده هم‌زمان هزینه‌ای است که باشگاه در نتیجهٔ جدایی بازیکن از پرداخت آن رهایی یافته است. در محاسبهٔ خالص منفعت موردانتظار، ارزش خدمات ازدست‌رفته، هزینه‌های جایگزینی و فرصت انتقال ازدست‌رفته باید در کنار صرفه‌جویی ناشی از عدم پرداخت دستمزد، سنجیده شوند؛ ازاین‌رو، ممکن است باشگاه نتواند هیچ زیان خالصی اثبات کند یا زیان اثبات‌شده، کم‌تر از دستمزد باقی‌مانده باشد. برخی آرای پیشین بر همین اساس، صرفه‌جویی باشگاه را از میزان غرامت کسر کرده‌اند. (CAS, 2020, 2019/A/6463–6464: paras. 149–150) بااین‌حال، این رویکرد مورد اتفاق‌نظر نیست و برخی داوران تصریح کرده‌اند که حتی اگر باشگاه، ارزش باقی‌مانده را صرفه‌جویی کرده باشد، هم‌زمان از دراختیارداشتن خدمات بازیکن محروم شده است و پذیرش این منطق که صرفه‌جویی در دستمزد همواره زیان را از میان می‌بَرَد، عملاً باشگاه‌ها را در برابر ترک ناموجه بازیکن بدون غرامت باقی می‌گذارد. (CAS, 2023, 2022/A/8574: paras. 131–133) بند ۵ مادهٔ ۱۷، با تعیین ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد به‌عنوان حداقل غرامت قابل‌پرداخت، دیدگاه اخیر را به‌طور ضمنی پذیرفته است.

در حقوق سوئیس، حکم مقرر در مادهٔ ۳۳۷d با کمینهٔ غرامت قرابت دارد. به موجب بند نخست مادهٔ مذکور، اگر کارگر، بدون دلیل موجه کار را ناگهان ترک گوید، کارفرما مستحق دریافت غرامتی معادل یک‌چهارم حقوق ماهانهٔ کارگر خواهد بود و می‌تواند جبران زیانِ بیش از آن را نیز بخواهد. شباهت این حکم با مقررهٔ فیفا در آن است که هر دو، برای تعیین غرامت، مبلغی پایه پیش‌بینی می‌کنند که مطالبه‌اش به اثبات دقیق زیان به همان میزان وابسته نیست. در هر دو نظام نیز مبلغ مبنا سقف غرامت نیست و زیان بیش‌تر، در صورت اثبات، قابل‌جبران است..((Swiss Code of Obligations, 1911: art. 337d(1)) تفاوت‌ها در قلمرو حکم و امکان کاهش مبلغ آشکار می‌شود. مادهٔ ۳۳۷d فقط در فرض خودداری از آغاز کار یا ترک ناموجه آن، به سود کارفرما اجرا می‌شود و مبلغ را بر پایهٔ دستمزد یک ماه تعیین می‌کند؛ در مقابل، کمینهٔ غرامت فیفا هم برای بازیکن و هم برای باشگاه پیش‌بینی شده و مبنای آن ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد است. افزون‌براین، بند دوم مادهٔ ۳۳۷d به دادگاه اجازه می‌دهد با اثبات زیان کم‌تر، مبلغ را کاهش دهد؛ بنا بر رأی دیوان عالی فدرال سوئیس، اثبات فقدان زیان حتی می‌تواند به حذف کامل آن بینجامد. چنان‌که گفته شد بندهای الف و ب مادهٔ ۳۳۷c نیز، در فرض اخراج ناموجه کارگر، درآمدِ باقی‌ماندهٔ قرارداد را مبنای آغازین محاسبه درنظرمی‌گیرد، اما درآمد جایگزین و هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده را از آن کسر می‌کند. در مقررات فیفا، برعکس، تکلیف کاهش خسارت، تابع کمینهٔ مقرر است و غرامت اصولاً تنها در اوضاع فوق‌العاده می‌تواند از ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد کم‌تر شود.

ازاین‌رو، حقوق سوئیس، به برآورد و اثبات زیان، نزدیک‌تر می‌ماند، حال آن‌که کمینهٔ غرامت فیفا در حالت معمول حدی الزام‌آور برای حاصل این برآورد برقرار می‌کند (Swiss Code of Obligations, 1911: arts. 337c(1)–(2), 337d(2); Swiss Federal Supreme Court, 2025: 4A_533/2024, consid. 4.3).

برآیند آن که قاعدهٔ کمینهٔ غرامت تا آن جا که منطبق با زیان واقعی است، کارکرد جبرانی دارد؛ اما آن‌جا که پس از احتساب درآمد جایگزین، صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا فقدان دلیل بر زیان، مبلغی بیش از خسارت خالص برقرار می‌سازد، کارکرد اصلی آن تنظیمی و رقابتی است. مبنای آن را باید در صیانت مستقیم از ثبات قراردادی و در امتداد آن، انتظام نظام رقابتی دنیای فوتبال جست‌وجو کرد. اگر ناقض بداند که حتی فقدان امکان اثبات تمام زیان‌های ورزشی یا انعقاد سریع قرارداد جایگزین، مسئولیت او را از حد معینی پایین‌تر نمی‌آورد، نقض فرصت‌طلبانهٔ قرارداد، جذابیت کم‌تری خواهد داشت. برای باشگاه، این قاعده امکان برنامه‌ریزی بر پایهٔ حضور بازیکن را تقویت می‌کند و برای بازیکن، امنیت کسب درآمد را در برابر خاتمهٔ ناموجه باشگاه افزایش می‌دهد.

۵،۲. پرداخت تنبیهی

«پرداخت تنبیهی»[18] از حیث مبنا با غرامت جبرانی، غرامت افزوده و کمینهٔ غرامت تفاوت دارد. در اینجا، پرداخت اساساً برای نکوهش رفتار ناقض قرارداد و بازداشتن او و دیگران از تکرار آن، وضع می‌شود. (جواهرکلام و آزادبخت، ۱٤۰۵: ۱۵۳) غرامت جبرانی نیز ممکن است به‌طور تبعی بازدارنده باشد؛ اما علت مستقیم آن ترمیم زیان است نه تنظیم رفتار از طریق نکوهش آن.

تا پایان ۲۰۲٦ م.، مادهٔ ۱۷ مبنای عام و صریحی برای پرداخت تنبیهی نداشت. برعکس، دیوان داوری ورزش در آرای پیشین خود بارها تأکید کرده بود که غرامت ناشی از نقض قرارداد نباید واجد ماهیتی تنبیهی باشد. در «وبستر»[19] دیوان بر ماهیت غیرتنبیهی غرامت تأکید کرد. (CAS, 2008, 2007/A/1298–1300: paras. 73–74) در «ماتوزالم» نیز، با وجود افزودن مبلغی بر پایهٔ ماهیت خاص ورزش، نسبت به خسارت تنبیهی هشدار داد. (CAS, 2009, 2008/A/1519–1520: para. 110) ازاین‌رو، کوشش برخی مراجع برای واکنش به سوءنیت یا میزان نکوهیدگی نقض قرارداد، از طریق افزایش غرامت تحت‌عنوان «ماهیت خاص ورزش»، با این ایراد بنیادین مواجه بود که پرداختی با علت تنبیهی، بدون برخورداری از مبنایی صریح در مقررات، در پوشش غرامت جبرانی مقرر می‌شد.

نسخهٔ ژانویهٔ ۲۰۲۷ م. این خلأ را با تأسیس نهادی مستقل برطرف کرده است. بند ششم مادهٔ ۱۷، ذیل عنوان مستقلِ «پرداخت تنبیهی»، مقرر می‌کند که در صورت تحقق رفتار سوءاستفاده‌آمیز، پرداختی تا سقف شش ماه دستمزد باید به بازیکن یا باشگاه اختصاص یابد. (FIFA, 2027: art. 17(6)) جایگاه این نهاد در مادهٔ ۱۷ نیز واجد اهمیت است: بندهای دوم تا چهارم به اصل جبران کامل خسارت اختصاص دارند؛ بند پنجم کمینهٔ غرامت را پیش‌بینی می‌کند؛ بند ششم پرداخت تنبیهی را به صورت مستقل مقرر می‌کند و بند هفتم به تکلیف کاهش خسارت می‌پردازد. بدین‌ترتیب، مقرره‌گذار سه پرسش متمایز را از یکدیگر جدا کرده است:

18. .Penalty Payment
19. Andrew Webster.

نخست، زیان ناشی از نقض چه میزان است؛ دوم، آیا مبلغ حاصل از محاسبه به کمینهٔ مقرر می‌رسد و سوم، آیا نحوهٔ رفتار ناقض چنان سوءاستفاده‌آمیز بوده است که پرداختی تنبیهی را نیز توجیه کند یا خیر.

ساختار مذکور، غیرجبرانی‌بودن پرداخت تنبیهی را آشکار می‌سازد. استحقاق آن به اثبات زیانی اضافی معادل یک تا شش ماه دستمزد وابسته نیست؛ مبلغ بر پایهٔ میزان خسارت واردشده تعیین نمی‌شود و درآمد جایگزین، صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا دیگر عوامل کاهندهٔ زیان، فی‌نفسه سبب زوال آن نیستند. بند هفتم مادهٔ ۱۷، تکلیف کاهش را صریحاً به «خسارت» واردشده مربوط می‌سازد، حال آن‌که پرداخت تنبیهی، خسارت نیست و واکنش به وصف سوءاستفاده‌آمیز رفتار است. افزون‌براین، برخلاف غرامت افزودهٔ پیشین، مقررات برای مجموع غرامت جبرانی و پرداخت تنبیهی، سقفی معادل ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد تعیین نکرده است. در نتیجه، پرداخت تنبیهی می‌تواند بر غرامت کامل یا کمینهٔ غرامت افزوده شود و مجموع دریافتی زیان‌دیده را از زیان اثبات‌شده و حتی ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد فراتر برد. نهاد مذکور از چند حیث بر نظام پیشین که بر معیار ماهیت خاص ورزش مبتنی بود، ترجیح دارد. نخست، مبنای پرداخت، صریح و منبع اختیار مرجع رسیدگی‌کننده، روشن است؛ دوم، سبب پرداخت به رفتار سوءاستفاده‌آمیز محدود شده است؛ سوم، ذی‌نفع می‌تواند بازیکن یا باشگاه باشد و چهارم، مبلغ به شش ماه دستمزد محدود است. بدین‌ترتیب، مقررات جدید می‌کوشد کارکردی را که پیش‌تر گاه در پوشش ماهیت خاص ورزش اِعمال می‌شد، آشکارا از جبران خسارت جدا سازد.

بازتابِ بند «پ» مادهٔ ۳۳۷c قانون تعهدات سوئیس، پس از حذف غرامت افزوده در نسخهٔ ۲۰۲۷، دیگربار در قالب «پرداخت تنبیهی» قابل‌مشاهده است. غرامت افزوده از حیث پیش‌بینی مبلغی مازاد بر غرامت محاسبه‌شده، با سقف شش ماه دستمزد، با این حکم مادهٔ مذکور از قانون تعهدات سوئیس قرابت داشت؛ در مقررات جدید، همان ویژگی‌ها ذیل عنوان پرداخت تنبیهی و با تأکید بر رفتار سوءاستفاده‌آمیز ظاهر شده‌اند. در هر دو، مبلغی افزون‌بر جبران زیان و تا سقف شش ماه دستمزد پیش‌بینی شده که به اثبات زیان مالیِ جداگانه وابسته نیست. از حیث ماهیت، دکترین و رویه، برای حکم بند پ مادهٔ ۳۳۷c قانون تعهدات سوئیس، کارکردی دوگانه یعنی ترمیمی و تنبیهی قائل است، حال آن‌که نهاد پرداخت تنبیهی در نظام حقوق فراملی فوتبال چنان‌که از عنوان آن پیداست، صرفاً ماهیتی تنبیهی داشته و از سوی دیگر، قانون تعهدات سوئیس، پرداخت را تنها به سود کارگر برقرار می‌سازد؛ حال آن‌که در مقررات جدید فیفا، هم بازیکن و هم باشگاه می‌تواند ذی‌نفع پرداخت مذکور باشد (Swiss Code of Obligations, 1911: art. 337c(3); Swiss Federal Supreme Court, 2009: BGE 135 III 405, consid. 3.1).

پرداخت تنبیهی روشن‌ترین مصداق کارکرد اصلیِ تنظیمی غرامت است. این پرداخت مبتنی بر اثبات زیان مشخصی نیست؛ بلکه هزینهٔ رفتارهایی را افزایش می‌دهد که از قرارداد به‌عنوان ابزار فشار استفاده می‌کنند. رفتارهایی چون واداشتن بازیکن به خروج از قرارداد از رهگذر محرومیت از تمرین یا نگهداری گذرنامه و ...، افزون‌بر منافع خصوصی، قابلیت اتکای قراردادها و انتظام رقابت را متأثر می‌کند. زیان وارد بر این منافع نهادی، پراکنده و غالباً غیرقابل‌تقویم است؛ ازاین‌رو، مقرره‌گذار به‌جای شرط اثبات چنین زیانی، رفتار منشأ تعرض را موضوع ضمانت‌اجرای مالی قرار داده است. پرداخت مبلغ به طرف قرارداد، تنها مجرای تضمین عناصر نظام رقابتی فوتبال است و ماهیت عمومی‌تر منفعت مورد حمایت را ازمیان نمی‌برد.

نتیجه‌گیری

سیر پنج مفهوم بررسی‌شده نشان می‌دهد که فیفا از زمان بازسازی نظام نقل‌وانتقالات در سال ۲۰۰۱ م.، غرامت را صرفاً وسیله‌ای برای ترمیم زیان خصوصی طرف قرارداد نمی‌دیده است. صیانت از انتظام و حسن جریان رقابت‌های فوتبال، از همان آغاز در شمار اغراضی قرار داشته‌اند که قواعد مربوط به آثار مالی نقض قرارداد در خدمت آن‌ها وضع شده‌اند. بااین‌حال، میان «اثر» تنظیمی جبران و «مبنای» مستقلِ پرداختِ فراتر از زیان، باید تمایز نهاد. غرامت وابسته به زیان، حتی اگر رفتار را جهت دهد، جبرانی است؛ اما پرداختی که حمایت از نظم رقابتی یا نکوهش رفتار، علت مستقیم آن باشد، به مبنایی مستقل نیاز دارد. تحول مقررات، حرکت از صورت‌های مبهم این مبنا، به سوی قواعدی صریح‌تر و ضابطه‌مندتر است.

«ماهیت خاص ورزش» هم می‌توانست زیان‌های ورزشی رابطهٔ بازیکن و باشگاه را در چارچوب جبران کامل آشکار کند و هم، مجرای افزودن مبلغی با مبنای تنظیمی باشد. ضعف آن در ابهام مرز میان این دو کارکرد و حدود اختیار مرجع رسیدگی بود.

«دورهٔ حفاظت‌شده» از آغاز با ثبات ترکیب تیم‌ها پیوند داشت؛ اما اثر تنظیمی آن بیش‌تر در ضمانت‌اجراهای ورزشی ظاهر می‌شد. افزایش مستقل غرامت صرفاً به سبب نقض در این دوره، به رویه‌ای ثابت بدل نشد و پس از دیارا نیز از معیارهای تقویم غرامت کنار رفت.

«غرامت افزوده» گامی به سوی تعیین صریحِ شرایط و میزان پرداخت بود. مطالبات معوق و سوءرفتار با بازیکن، بدون نیاز به اثبات زیانی جداگانه، پیامد مالی می‌یافتند. این سازوکار افزون‌بر حمایت از بازیکن، در پی انضباط مالی باشگاه‌ها و تضمین توازن رقابتی بود.

«کمینهٔ غرامت» در نسخهٔ ۲۰۲۷ مبلغ مستقلی بر خسارت پایه نمی‌افزاید؛ بلکه حاصل تقویم را به ارزش باقی‌ماندهٔ قرارداد مقید می‌کند. اگر زیان خالص پس از کسر درآمد جایگزین یا هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده کم‌تر از این حد باشد، بخش مازاد، قابلیت اتکای قرارداد را بر مبنایی حمایتی و تنظیمی تضمین می‌کند.

«پرداخت تنبیهی» صریح‌ترین صورت استقلال مبنای پرداخت، از میزان زیان است. سبب آن رفتار سوءاستفاده‌آمیز و نه میزان خسارت واردشده است؛ مقرره‌گذار برای کارکردی که پیش‌تر گاه در پوشش ماهیت خاص ورزش اِعمال می‌شد، عنوان، سبب و سقفی مستقل مقرر کرده است.

تحولات پس از رأی دیارا پایان کارکرد تنظیمی غرامت نیست. چارچوب ۲۰۲۵ م. معیارهای کلیِ ماهیت خاص ورزش و دورهٔ حفاظت‌شده را از معیارهای تقویم غرامت کنار گذاشت و نسخهٔ ۲۰۲۷ م. حمایت از ثبات قراردادی و مقابله با رفتار سوءاستفاده‌آمیز را در قالب چارچوب‌هایی معین‌تر دنبال کرد. در نظام پیشین، ماهیت خاص ورزش و دورهٔ حفاظت‌شده، گاهی افزایش غرامت را توجیه می‌کرد. غرامت افزوده نیز حمایت مالی از بازیکن و واکنش به سوءرفتار باشگاه را در سازوکاری واحد و مشخص، میسر می‌ساخت. در مقررات ۲۰۲۷، می‌توان تداوم این دو کارکرد را در کمینهٔ غرامت و پرداخت تنبیهی دید؛ به‌گونه‌ای که ابتدا غرامت با رعایت کمینه تعیین و سپس، در صورت احراز رفتار سوءاستفاده‌آمیز، پرداخت تنبیهی به آن افزوده می‌شود. این تحول، گذار به شناسایی صریح و مقیدِ مبنای تنظیمی مستقل است. تفاوت نظام پیشین و ساختار جدید بیش از

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited
نسخه‌ی اولیه ویراستاری‌نشده | در انتظار انتشار

اصل این کارکرد، در شیوهٔ تأسیس آن است: کارکرد تنظیمیِ مستقل، از نهادهای کلی و گسترده، به نهادهایی با مبنا و شرایط روشن‌تر منتقل شده است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. جواهرکلام، محمدهادی و آزادبخت، شبیر (۱٤۰۵). مفهوم، گستره و میزان «منافع» قابل رد در شیوه جبران خسارت رد منافع ناشی از نقض حق؛ مطالعه تطبیقی در حقوق کامن‌لا. *تحقیق و توسعه در حقوق مسئولیت مدنی*، ۱(۱): ۱۹۶–۱٤۹. https://doi.org/10.22034/jcil.2026.735354

۲. میرشکاری، عباس و عبدی، مونا (۱٤۰٤). انتظار یا اعتماد: تحلیل آراء صادره در یکی از پرونده‌های شرکت خدمات ارتباطی در خصوص ضابطه ارزیابی خسارت عدم‌النفع. *نقد و تحلیل آراء قضایی*، ٤(۸):٤۰٤–۳٦۱. https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2073654.1123

منابع انگلیسی

Books

1. FIFA (2023). *Commentary on the Regulations on the Status and Transfer of Players* (3rd ed.). Zurich: FIFA.
2. Ongaro, O. (2020). FIFA regulations on the status and transfer of players: The latest developments. In M. Colucci & O. D. Bellia (eds.), *Transfers of football players: A practical approach to implementing FIFA rules* (Part I, pp. 17–74). Sports Law and Policy Centre.

Articles

3. Flores Chemor, M., & Larabi, I. (2026). Article 17 RSTP after Diarra: Understanding the doctrine of full compensation and anticipating future disputes through existing jurisprudence. *CAS Bulletin*, 2026(2), 3–21.

Working papers

4. Shavell, S. (۱۹۸۱)/ *On the design of contracts and remedies for breach* (NBER Working Paper No. ۷۲۷)/ National Bureau of Economic Research. https://doi.org/۱۰/۳۳۸۶/w۰۷۲۷

Reports

5. FIFA (2024). *CAS & Football Annual Report 2023*. Zurich: FIFA.

Regulations and circulars

6. FIFA (2001). *Revised FIFA Regulations for the Status and Transfer of Players*, Circular No. 769, 24 August.
7. FIFA (2018). *Amendments to the Regulations on the Status and Transfer of Players*, Circular No. 1625, 26 April.
8. FIFA (2025a). *Regulations on the Status and Transfer of Players: Interim Regulatory Framework*, January edition. Zurich: FIFA.
9. FIFA (2025b). *Regulations on the Status and Transfer of Players*, July 2025 edition. Zurich: FIFA.
10. FIFA (2027). *Regulations on the Status and Transfer of Players*, January 2027 edition. Zurich: FIFA.
11. Swiss Code of Obligations (1911). *Federal Act on the Amendment of the Swiss Civil Code*, Part Five.

Judicial and arbitral decisions

12. CAS (2008). *Wigan Athletic FC, Heart of Midlothian & Andrew Webster*, CAS 2007/A/1298–1300, award of 30 January 2008.
13. CAS (2009). *FC Shakhtar Donetsk, Matuzalem Francelino da Silva & Real Zaragoza SAD*, CAS 2008/A/1519–1520, award of 19 May 2009.
14. CAS (2010). *Fenerbahçe Spor Kulübü & Stephen Appiah*, CAS 2009/A/1856–1857, award of 7 June 2010.
15. CAS (2019). *SA Royal Sporting Club Anderlecht, Matías Ezequiel Suárez & Club Atlético Belgrano*, CAS 2018/A/5607–5608, award of 22 January 2019.
16. CAS (2020). *Saman Ghoddos, SD Huesca, Östersunds FC & Amiens Sporting Club*, CAS 2019/A/6463–6464, award of 10 November 2020.
17. CAS (2023). *Marcos Lavín Rodríguez v. FC Voluntari*, CAS 2022/A/8574, award of 15 March 2023.
18. CJEU (2024). *Fédération internationale de football association (FIFA) v BZ (Diarra)*, Case C-650/22, judgment of 4 October 2024, ECLI:EU:C:2024:824.
19. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2018). *Player A v. Club C*, decision of 15 November 2018.
20. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2019). *Player A v. Club C*, decision of 9 May 2019.
21. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2020). *Mourad Batna v. Al Wahda Club & Al Jazira SC*, decision of 23 April 2020.
22. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2022a). *Ismaily SC v. Diego Fernando Dorregaray & Club Nea Salamina Famagusta*, REF FPSD-6931, decision of 15 December 2022.

ویرایش‌شده | در انتظار انتشار | Edited | Awaiting Publication | Draft Version

23. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2022b). *Justin Junior Mengolo v. Wiliete Sport Clube De Benguela*, REF FPSD-7005, decision of 12 October 2022.
24. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2022c). *Vedran Vrhovac v. ACS Petrolul 52*, REF FPSD-6532, decision of 22 November 2022.
25. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2025a). *Al Merreikh KH v. Ahmed Hamid Mohamed & Swehly Club*, REF FPSD-16957, decision of 25 September 2025.
26. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2025b). *Massafi Al-Jonob v. Musa Esenu & Bul Football Club*, REF FPSD-13969, decision of 27 March 2025.
27. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (2025c). *Wesley da Silva v. Qingdao West Coast FC*, REF FPSD-16859, decision of 7 October 2025.
28. FIFA Players' Status Chamber (PSC) (2025). *Ma'an v. Ameen Alber Philip*, REF FPSD-17867, decision of 11 September 2025.

منابع فرانسوی

Chapitres d'ouvrage
1. Dunand, J.-P. (2021). La fin du contrat de travail (causes d'extinction et protections contre les congés). In A.-S. Dupont & P. Mahon (éds), *La fin des rapports de travail* (pp. 1–73). Genève/Zurich: Schulthess Éditions Romandes.

Décisions judiciaires et arbitrales
2. CAS (2005). *Philippe Mexès & AS Roma c. AJ Auxerre / AJ Auxerre c. Philippe Mexès & AS Roma*, TAS 2005/A/902–903, sentence du 5 décembre 2005.
3. Swiss Federal Supreme Court (2007). *BGE 133 III 657*.
4. Swiss Federal Supreme Court (2009). *BGE 135 III 405*.
5. Swiss Federal Supreme Court (2025). *4A_533/2024*, arrêt du 24 juin 2025.

منابع اسپانیایی

Referencias en español

Laudos arbitrales

CAS (2015). *Sergio Sebastián Ariosa Moreira c. Club Olimpia / Club Olimpia c. Sergio Sebastián Ariosa Moreira*, TAS 2015/A/3871–3882, laudo arbitral de 29 de julio de 2015.

References

1. CAS (۲۰۰۵)، *Philippe Mexès & AS Roma v. AJ Auxerre / AJ Auxerre v. Philippe Mexès & AS Roma*, TAS ۹۰۲–۹۰۳/A، award of ۵ December ۲۰۰۵، (in French)/۲۰۰۵
2. CAS (۲۰۰۸)، *Wigan Athletic FC, Heart of Midlothian & Andrew Webster*, CAS ۲۰۰۷/A/۱۲۹۸–۱۳۰۰، award of ۳۰ January ۲۰۰۸.
3. CAS (۲۰۰۹)، *FC Shakhtar Donetsk, Matuzalem Francelino da Silva & Real Zaragoza SAD*, CAS ۲۰۰۸/A/۱۵۱۹–۱۵۲۰, award of ۱۹ May ۲۰۰۹.
4. CAS (۲۰۱۰)، *Fenerbahçe Spor Kulübü & Stephen Appiah*, CAS ۲۰۰۹/A/۱۸۵۶–۱۸۵۷، award of ۷ June ۲۰۱۰.
5. CAS (۲۰۱۵)، *Sergio Sebastián Ariosa Moreira v. Club Olimpia / Club Olimpia v. Sergio Sebastián Ariosa Moreira*, TAS ۲۰۱۵/A/۳۸۷۱–۳۸۸۲، award of ۲۹ July ۲۰۱۵، (in Spanish)
6. CAS (۲۰۱۹)، *SA Royal Sporting Club Anderlecht, Matías Ezequiel Suárez & Club Atlético Belgrano*, CAS ۵۶۰۷–۵۶۰۸/A، award of ۲۲ January ۲۰۱۹/۲۰۱۸.
7. CAS (۲۰۲۰)، *Saman Ghoddos, SD Huesca, Östersunds FC & Amiens Sporting Club*, CAS ۲۰۱۹/A/۶۴۶۳–۶۴۶۴، award of ۱۰ November ۲۰۲۰.
8. CAS (۲۰۲۳)، *Marcos Lavín Rodríguez v. FC Voluntari*, CAS ۲۰۲۲/A/۸۵۷۴، award of ۱۵ March ۲۰۲۳.
9. CJEU (۲۰۲۴)، *Fédération internationale de football association (FIFA) v. BZ (Diarra)*, Case C-۶۵۰/۲۲، judgment of ۴ October ۲۰۲۴، ECLI:EU:C:۲۰۲۴:۸۲۴.
10. Dunand, J.-P. (۲۰۲۱)، Termination of the employment contract (grounds for termination and protection against dismissal). In A.-S. Dupont & P. Mahon (Eds.), *Termination of employment relationships* (pp. ۱–۷۳)، Geneva/Zurich/Basel: Schulthess. (in French)
11. FIFA (۲۰۰۱)، *Revised FIFA Regulations for the Status and Transfer of Players*, Circular No. ۷۶۹، ۲۴ August

پذیرفته شده در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه ویراستاری نشده
Accepted | awaiting Publication | Draft Version | Unedited

12. .FIFA (٢٠١٨)، *Amendments to the Regulations on the Status and Transfer of Players*, Circular No. ١٦٢٥، ٢٦ April
13. .FIFA (٢٠٢٣)، *Commentary on the Regulations on the Status and Transfer of Players* (٣rd ed.). Zurich: FIFA
14. .FIFA (٢٠٢٤)، *CAS & Football Annual Report ٢٠٢٣*، Zurich: FIFA
15. FIFA (٢٠٢٥a). *Regulations on the Status and Transfer of Players: Interim Regulatory Framework*, January edition. .Zurich: FIFA
16. .FIFA (٢٠٢٥b). *Regulations on the Status and Transfer of Players*, July ٢٠٢٥ edition. Zurich: FIFA
17. .FIFA (٢٠٢٧)، *Regulations on the Status and Transfer of Players*, January ٢٠٢٧ edition. Zurich: FIFA
18. .FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠١٨)، *Player A v. Club C*, decision of ١٥ November ٢٠١٨
19. .FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠١٩)، *Player A v. Club C*, decision of ٩ May ٢٠١٩
20. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٠)، *Mourad Batna v. Al Wahda Club & Al Jazira SC*, decision of .April ٢٠٢٠ ٢٣
21. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٢a). *Ismaily SC v. Diego Fernando Dorregaray & Club Nea .Salamina Famagusta*, REF FPSD-٦٩٣١، decision of ١٥ December ٢٠٢٢
22. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٢b). *Justin Junior Mengolo v. Wiliete Sport Clube De Benguela*, .REF FPSD-٧٠٠٥، decision of ١٢ October ٢٠٢٢
23. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٢c). *Vedran Vrhovac v. ACS Petrolul ٥٢* REF FPSD-٦٥٣٢، .decision of ٢٢ November ٢٠٢٢
24. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٥a). *Al Merreikh KH v. Ahmed Hamid Mohamed & Swehly Club*, .REF FPSD-١٦٩٥٧، decision of ٢٥ September ٢٠٢٥
25. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٥b). *Massafi Al-Jonob v. Musa Esenu & Bul Football Club*, REF .FPSD-١٣٩٦٩، decision of ٢٧ March ٢٠٢٥
26. FIFA Dispute Resolution Chamber (DRC) (٢٠٢٥c). *Wesley da Silva v. Qingdao West Coast FC*, REF FPSD- .decision of ٧ October ٢٠٢٥ ,١٦٨٥٩
27. FIFA Players' Status Chamber (PSC) (٢٠٢٥)، *Ma'an v. Ameen Alber Philip*, REF FPSD-١٧٨٦٧، decision of ١١ .September ٢٠٢٥
28. Flores Chemor, M., & Larabi, I. (٢٠٢٦)، Article ١٧ RSTP after Diarra: Understanding the doctrine of full .compensation and anticipating future disputes through existing jurisprudence. *CAS Bulletin*, ٢٠٢٦(٢)، ٣–٢١
29. Javaherkalam, M. H., & Azadbakht, S. (٢٠٢٦)، The concept, scope, and extent of restitutable "profits" under the remedy of account/disgorgement of profits arising from the infringement of a right: A comparative study in common law. *Journal of Research and Development in Civil Liability Law*, ١(١)، ١٤٩–١٩٦، https://doi.org/١٠/٢٢٠٣٤/jcil.٢٠٢٦/٧٣٥٣٥٤ (in Persian)
30. Mirshekari, A., & Abdi, M. (٢٠٢٦)، Expectation or reliance: An analysis of the arbitration and judicial decisions in a telecommunication services case regarding the criteria for evaluation of lost profit. *The Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions*, ٣(٨)، ٣٦١–٤٠٤، https://doi.org/١٠/٢٢٠٣٤/analysis.٢٠٢٥/٢٠٧٣٦٥٤/١١٢٣ (in Persian)
31. Ongaro, O. (٢٠٢٠)، FIFA regulations on the status and transfer of players: The latest developments. In M. Colucci & O. D. Bellia (Eds.), *Transfers of football players: A practical approach to implementing FIFA rules* (Part I, pp. ١٧–٧٤). Sports Law and Policy Centre.
32. Shavell, S. (١٩٨١)، *On the design of contracts and remedies for breach* (NBER Working Paper No. ٧٢٧)، National Bureau of Economic Research. https://doi.org/١٠/٣٣٨٦/w٠٧٢٧
33. .Swiss Code of Obligations (١٩١١)، *Federal Act on the Amendment of the Swiss Civil Code, Part Five*
34. Swiss Federal Supreme Court (٢٠٠٧)، *BGE ١٣٣ III ٦٥١*، (in French)
35. Swiss Federal Supreme Court (٢٠٠٩)، *BGE ١٣٥ III ٤٠٥*، (in French)
36. Swiss Federal Supreme Court (٢٠٢٥)، *٤A_ ٥٣٣/٢٠٢٤* judgment of ٢٤ June ٢٠٢٥، (in French)

Accepted | Pending Publication | Draft Version | Unedited